موسیقی دستگاهی ایران در تلاوت قرآن

اشاره

قرائت قرآن، یک فن یا به بیانی جامع‌تر یک هنر است؛ شاید بتوان گفت نقطهٔ اوج تلاقی هنر و مذهب و برای آنکه بشود از آن لذت برد، باید کمی درباره‌اش دانست. در واقع فراگیری فنون موسیقی آوازی، پیشوازی است برای فراگیری تلاوت رنگارنگ قرآن.

از یک نظر، قرآن لحنی موسیقایی است و از یک نظر، الحان موسیقی در ذات آیات قرآنی و حتی واژگان آن نهفته است که خود به خود ما را وادار می‌کند آن را آهنگین و با وزن بخوانیم.

آنچه در این سال‌ها از قرائت قاریان ایرانی شاهد بوده‌ایم تقلید بوده است و بس. همواره قاریانی پرورش داده می‌شوند که کمتر به موسیقی و مبانی آن آشنایی دارند و با آهنگ‌های نامناسب و نغمه‌های ناموزون قرائت می‌کنند و این اعجاز بیان الهی را با شیوه‌های تقلیدی و ناپسند عرضه می‌دارند.

اینکه شیوه‌های امروزی در قرائت قرآن از کجا آمده، چه ربطی به هنر موسیقی دارد، چه کسانی در پیشرفتش مؤثر بوده‌اند و ما ایرانی‌ها که هم در موسیقی، سابقهٔ درخشانی داریم و هم در علوم قرآنی، چه نقشی در اعتلای این هنر داریم و جایمان در این عرصه کجاست، خود موضوعاتی قابل تأمل و بحث‌اند.

پرداختن به این سؤال که اساساً موسیقی دستگاهی ایران در تلاوت قرآن به کار گرفته می‌شود یا نه، قبل از همهٔ این پرسش‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌ویژه آنکه تا کنون به این مقولهٔ مهم پرداخته نشده است.

مشروعیت هنر قرائت

در اکثر کتب روایی شیعی، بخشی وجود دارد، به نام «باب‌القرآن» یا «کتاب‌القرآن» که در آن روایاتی درباره فضل قرآن، فضیلت قاری قرآن، ثواب قرائت سوره‌ها و نکات دیگر مطرح شده است. اما یکی از این نکات، مسئله تحریم غنا و استحباب تحسین صوت در قرائت قرآن است.

محدثان بزرگوار ما، در توجیه بعضی روایات فرموده‌اند: «قرآن را با صوت زیبا تا آن حدی که غنا نباشد، باید قرائت کرد، البته بدون آنکه حدود حسن صوت و غنا را مطرح کنند.»

بسیاری تصور می‌کنند که قرائت و تلاوت قرآن تنها آن چیزی است که شنیده‌اند و فقط و فقط باید در این خصوص از تلاوت قاریان عرب‌زبان تقلید کرد و به همین هم بسنده می‌کنند. اما برخی از قاریان با استناد به اینکه آهنگ‌های عربی تلفیقی از آهنگ‌های غیرعربی (مثلاً ایرانی) است، استفاده از آهنگ‌های غیرعربی را در قرائت جایز می‌دانند. مثلاً یکی از گوشه‌های دستگاه ایرانی را عیناً در قرائت قرآن به کار می‌برند.

با توجه به روایات شریفه، قرائت قرآن با صوت و لحن زیبا و ترجیع حلال (هنر قرائت)، ممدوح و مورد رضایت حضرت حق، رسول اکرم و ائمه اطهار، علیهم السلام، می‌باشد. نظر بسیاری از فقها در مورد قرائت قرآن، طبق دستگاه موسیقایی، این است که در اخبار وارده نسبت به قرائت قرآن، با صدای خوب تأکید شده است؛ و از حضرت امام باقر (ع) نقل شده: «رجع بالقرآن صوتک، فان الله عزوجل یحب الصوت الحسن یرجع فیه ترجیعا» یعنی قرآن را با گرداندن صدا در حلق بخوان؛ زیرا

خداوند صدای خوب را دوست دارد.
بنابراین باید قرآن با صدای مهذب مناسب معنویت و هدایت قلوب خوانده شود، نه با صداهای مناسب با مجالس لهو؛ و برای یاد گرفتن تنظیم صدا و پیداکردن صوت یا نت مناسب اگر از آلات تنظیم صدا استفاده شود مانعی ندارد؛ ولی نواختن آلات در وقت خواندن قرآن (نظیر نواختن موسیقی درسرودهای معمولی) ممکن است بی‌احترامی به شأن قرآن تلقی شود.

موسیقی شرقی و ویژگی‌های آن

وجه تمایز موسیقی شرقی نسبت به موسیقی غربی وجود پرده‌هایی[1] است که موسیقی غربی به طور کل از وجود این فواصل بی‌بهره است. فواصلی که در موسیقی شرقی استفاده می‌شود فاصله یک پرده (پردهٔ کامل)، نیم‌پرده و ربع‌پرده (۳/۴ پرده) است در صورتی که موسیقی غربی از فاصلهٔ ربع پرده استفاده نمی‌کند. همین موضوع دامنه و تنوع بسیاری را برای موسیقی شرقی ایجاد کرده و بر همین اساس در موسیقی ایرانی، عربی و ترکی دستگاه‌ها و مقام‌های بسیاری وجود دارند، اما در موسیقی غربی چنین نیست.
نفوذ موسیقی کلاسه‌شدهٔ غربی در ممالک شرقی به‌خصوص در دو سدهٔ اخیر دانشمندان و موسیقی‌دانان شرقی را بر آن داشت که نظم خاصی برای مقام‌های خود بدهند و نتیجتاً یک گام پایه‌ای برای موسیقی خود بیابند و پس از آن بود که برای مقام‌های شرقی گام ثابتی مشخص شد.

دستگاه‌های موسیقی ایران و مقام‌های موسیقی عرب

هفت دستگاه و پنج آواز حاصل فواصل و گام‌های متفاوت در موسیقی ایرانی است. بسیاری از گوشه‌ها نیز در این آوازها و دستگاه‌ها قرار می‌گیرند. ماهور، شور، سه‌گاه، چهارگاه، راست و پنجگاه، همایون و نوا، هفت دستگاه و بیات اصفهان، افشاری، ابوعطا، دشتی و بیات ترک آوازهای موسیقی ایرانی را شکل می‌دهند. همان‌طور که گفته شد ربع‌پرده در موسیقی ما نقشی مهم ایفا می‌کند و موجبات فراهم آمدن گوشه‌ها و دستگاه‌هایی با رنگ و فضای متنوع را فراهم می‌آورد.
مقام راست، بیات، صبا، سه‌گاه، عجم، نهاوند، کرد، حجاز مقام‌های عربی را تشکیل می‌دهند که هر یک از این مقام‌ها در دل خود دارای مقام‌های فرعی نیز هستند؛ مطابق با آنچه در موسیقی ایرانی نسبت به دستگاه‌ها و گوشه‌ها اتفاق می‌افتد.

وجه تشابه موسیقی عربی و ایرانی

عقیدهٔ اکثر مورخان بر این است که منشأ موسیقی عرب، آهنگ‌ها و ترانه‌های ایرانی بوده. اکثر خوانندگان و نوازندگان مشهور عرب در قرون اول هجری، توسط خنیاگران و نوازندگان پارسی‌تبار تعلیم یافته یا اینکه خود اصالتاً ایرانی بوده‌اند.
آنان از الحان و آهنگ‌هایی که قابلیت تطبیق و تلفیق با اشعار عربی را داشت، در سرودها و آوازهای خود استفاده کردند و پس از مدتی موسیقی عرب با تکیه بر همین دانسته‌ها، که رفته‌رفته رو به تکامل می‌رفت، شکل گرفت.
به عنوان مثال در موسیقی ایرانی (و شرق) فاصله هشتم یا «هنگام»[2] را به هشت گاه تقسیم می‌کردند. بعد از حمله اعراب به ایران در صدر اسلام و همچنین در دوران سلطنت عثمانی، این فواصل و پرده‌ها به طور کامل به کشورهای عربی و اسلامی منتقل گردید و تا کنون نیز همان فواصل و پرده‌ها با نام‌های ایرانی (اکثراً) در فرهنگ موسیقی این کشورها به چشم می‌خورد.
پرداختن به این موضوع که عرب‌ها تداخلات و تصرفاتی در این مقام‌ها داشته‌اند بحث‌های تاریخی و فرهنگی است که در

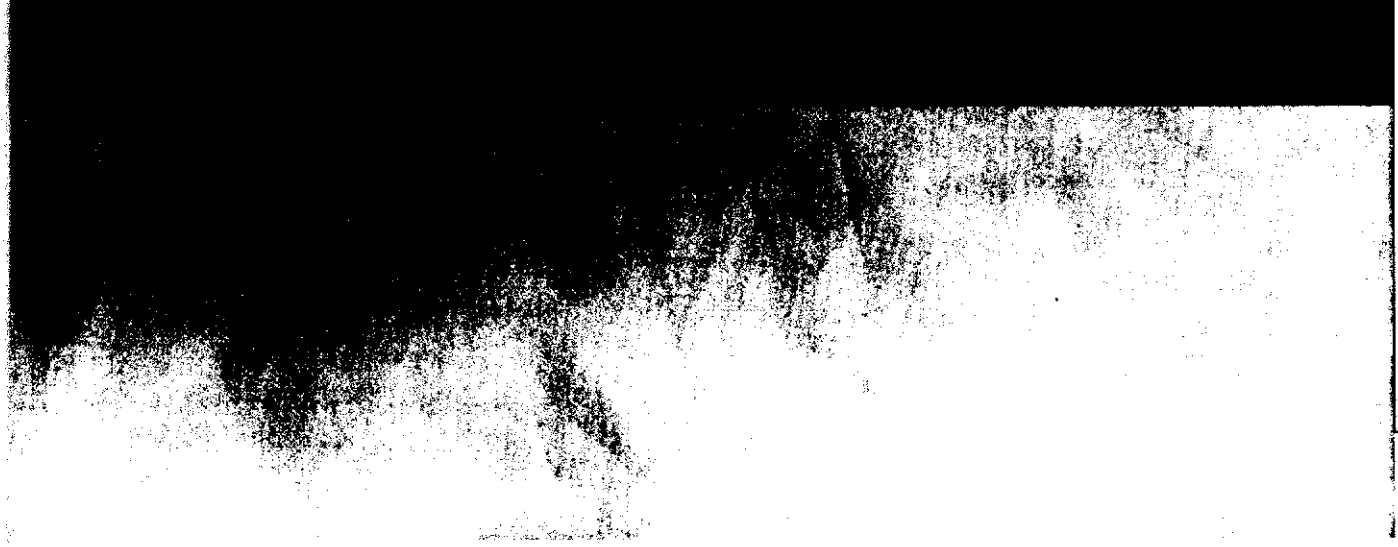

این فرصت نمی‌گنجد و فقط به ذکر همین نکتهٔ مهم بسته می‌کنیم که مطمئناً دخل و تصرفاتی در موسیقی ایرانی توسط عرب‌ها صورت پذیرفته است.

با وجود شواهد و دلایل بسیار زیاد به جرئت می‌توان ادعا کرد که این اسلوب و روش موسیقی ایران بوده که به کشورهای عربی منتقل شده و اگر موسیقی بدوی و یا قومی در این کشورها نیز بوده یا در این فواصل وجود داشته و یا اینکه از بین رفته است. بنابراین در حال حاضر موسیقی عربی که موجودیت مستقل از موسیقی ایرانی و غرب داشته باشد وجود ندارد.

در تحقیقاتی که پژوهشگران و موسیقی‌دانان انجام داده‌اند بارها به این تشابهات اشاره شده و از آنجا که به جز در فواصل معدودی که بین موسیقی مقامی عربی و ایرانی اختلاف وجود دارد، تشابهات بین این دو موسیقی طبیعتاً بسیار زیاد است، در این مجال به عنوان نمونه به یکی دو وجه تشابه اشاره می‌شود.

مقام راست و سه‌گاه که یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مقام‌های موسیقی ملل شرق است (بدون تغییر نام) هم در مقام‌های موسیقی عرب و هم در دستگاه‌های موسیقی ایرانی به چشم می‌خورد. مقام عجم تقریباً منطبق بر دستگاه ماهور است و مقام حجاز شباهت بسیار زیادی به همایون دارد هم از حیث شباهت در فواصل و هم در نغمات و ملودی‌ها.

مقام‌های موسیقی عربی مورد استفاده در قرائت

می‌گویند لحن خوش، کمال گفتار است. علمای فن قرائت به مرور زمان، متوجه شدند که آیات قرآن با توجه به دوری و نزدیکی معنایشان، دارای وزن و آهنگ خاصی هستند.

(حتی در موسیقی ایرانی هم آهنگسازان مسلط و آشنا با توجه به شعر ملودی را در دستگاه خاص می‌سازند. در واقع به این ترتیب کوشش می‌کنند هم‌خوانی و هماهنگی کاملی میان لحن شعر و ملودی ایجاد شود.)

بنابراین آنچه تا حدودی به برتری تلاوت قاریان عرب‌زبان نسبت به ایرانی‌ها منجر شده، استفادهٔ قاریان عرب‌زبان و آشنا به موسیقی از مقام‌هایی است که با معانی آیات هم‌خوانی و ارتباط داشته باشد. در قرائت قرآن هر دسته از الحان به خواندن آیات خاصی اختصاص دارد.

به عنوان نمونه مقام "بیات" که وسیع‌ترین مقام در قرائت قرآن است و گوشه‌های بسیاری دارد قبل و بعد و حتی بین مقام‌های دیگر، قابل اجراست. معمولاً قرائت با این مقام آغاز می‌شود و زمینهٔ اجرای مقامات دیگر است. وقار، عظمت، بزرگی، تسلط و سنگینی را القا می‌کند و آرامش همراه غم می‌آورد. این مقام برای اجرای دعاهای قرآنی، حکایات و اندرزها به کار می‌رود.

نمونه: بروج / استاد غلوش
آل عمران، ۱۷۱ به بعد، / استاد مصطفی اسماعیل

یا مقام **راست**؛ اثر آن، برانگیختن حس مردانگی، جسارت و حرکت به سمت کشف حقیقت است و در آیاتی که داری تأکید و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحکم و امر است. استفاده می‌شود. هرچند قابلیت تعمیم به انوع حالات مفهومی را دارد.
نمونه: روم / استاد منشاوی
آیات ابتدای سورهٔ شمس/ استاد عبدالباسط
مقام عجم و چهارگاه: اثر این مقام‌ها، ایجاد شور و شوق جوانی است و در آیاتی با مضامین خدا، بهشت، توبه، معجزات پیامبران، دعا و درخواست و حرکت و مبارزه به کار می‌رود.
نمونه: ضحی، ۱۱ـ انشراح، ۱/ استاد عبدالباسط
مقام نهاوند: ماهیتی لطیف و منعطف از نظر لحنی دارد. نه خیلی خشن است و نه خیلی خفیف و بیشتر در بیان داستان‌های قرآنی به کار می‌رود.
نمونه: بقره، ۲۵۰/ استاد مصطفی اسماعیل
مقام سه‌گاه: برانگیزانندهٔ حس محبت و عشق و سوز دل است و در آیاتی با مفاهیم عشق، وعدهٔ الهی، بشارت، مغفرت، صفات مؤمنان، پیروزی و اجابت دعا به کار می‌رود.
نمونه: فاطر، ۱۴ و ۱۵، استاد مصطفی اسماعیل
مقام صبا: مجموعه‌ای از نغمات حزین است که گذشتهٔ از دست‌داده را به تصویر می‌کشد و ما را به خویشتن خویش دعوت می‌کند. در آیاتی با موضوع عبرت از حوادث گذشتگان، مقایسهٔ عاقبت نیک مؤمنان و سرانجام بد گناهکاران، دعا و توبه و پشیمانی و ذکر نعمت‌ها و آیات الهی به کار می‌رود.
نمونه: قیامت، ۱۴ و ۱۵/ استاد عبدالباسط
مقام حجاز: اثر آن، شور و شعف همراه با احساسات عالی و حزین و دعوت به یکپارچگی و اتحاد و آرزو برای سعادت بشر است. از این مقام، در آیاتی که مربوط به بشارت و انذار، نعمت‌های خداوند، تذکر و یادآوری، امر و توصیه، خلقت جهان هستی و موجودات هستند، استفاده می‌شود.
نمونه: حشر ۲۱/ استاد عبدالباسط

آنچه موجب دشواری در تشخیص صحیح حضور دستگاه‌های ایرانی در قرائت شده است

همان‌طور که در این تحقیق به تشابهات موسیقی ایرانی و عرب اشاره شد و همچنین با مثال‌هایی در خصوص استفاده از مقام‌های عربی در قرائت جای سؤال دارد که در این بین چه اتفاقی افتاده است که برخی به انکار از استفاده از دستگاه‌های موسیقی ایرانی می‌پردازند؟! اما آنچه موجبات دشواری برای تشخیص دستگاه‌ها و گوشه‌های ایرانی در قرائت را فراهم کرده است، لحن متفاوت عربی قاریان عرب‌زبان و همچنین تداخلات و تصرّفاتی است که موسیقی‌دانان عرب در موسیقی خود نسبت به موسیقی ایرانی ایجاد کرده‌اند.
در واقع به دلیل تفاوت در لحن قاریان مصری تشخیص این موضوع کمی دشوار شده است. در واقع همان‌طور که در طول بحث بارها به آن اشاره شد موسیقی عربی در واقع گرته‌برداری از موسیقی ایرانی است.

جمع‌بندی (ترس از تغییر لحن و آشنا نبودن قاریان قرآن به موسیقی)

بحثی که امروز پیش آمده این است که چرا به جای استفاده از موسیقی سنتی ایران در قرائت قرآن به تقلید از روش‌ها و الحان مصری و عربی اکتفا می‌کنیم. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده هستند که در موسیقی ایرانی غیر از شور عربی و سه‌گاه نغمه‌هایی که به موسیقی عربی نزدیک باشند، بسیار کم است و با به کار بردن موسیقی سنتی ایران در تلاوت آیات قرآنی، برای تطبیق نغمه با معنی مشکل پیدا خواهیم کرد. مثلاً برای برخی از آیات واجد معانی حزن‌انگیز نمی‌توان غیر از مقام‌های حجاز یا نهاوند از دیگر مقام‌ها استفاده کرد.
حال آنکه در این تحقیق حاضر خلاف این موضوع به اثبات رسید. در جمع‌بندی کلی از این بحث می‌توان عدم شناخت کافی قاریان قرآن کشورمان نسبت به موسیقی و گوشه‌ها و نغمات اصیل ایرانی و ترس از تغییر لحن را علت اصلی این موضوع دانست. درحالی‌که بسیاری از نغمات قرائت قرآن، برگرفته از نغمات اصیل ایرانی است پرداختن به آموزش صحیح و آشنا کردن قاریان کشورمان به موسیقی احساس می‌شود و لازم است کارشناسان به این مقوله توجه بیشتری داشته باشند.

منابع

۱. ژان دورینگ، *ردیف‌سازی موسیقی سنتی ایران*.
۲. دکتر جواد مسگری و مهندس حسین دهقانی، *نغمه وحی ۱ و ۲*.
۳. پرویز منصوری، *تئوری بنیادی موسیقی*.
۴. شاهین فرهت، *دستگاه در موسیقی ایران*.
۵. روح‌الله خالقی، *نظری به موسیقی*.
۶. فرامرز پایور، *تئوری موسیقی*.
۷. با تشکر فراوان از آقایان احمد ابوالقاسمی و محمدرضا غلام‌رضازاده قاریان بین‌المللی قرآن